

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۴

شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: عملیاتی کردن این شاخص‌ها برای انجام پژوهش‌های میدانی

۸۵

دانشنامه الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
صلاح‌الدین قادری

صلاح‌الدین قادری *^۱

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد، البرز، ایران.

چکیده

ارزیابی تأثیرات فرهنگی که در ادبیات نظری جامعه ایران، پیوست فرهنگی نامیده می‌شود، رویکردی جدیدی در حوزه پیشرفت و الزام‌های آن است. هدف بررسی حاضر، بررسی شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی بر اساس آموزه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن بررسی تعاریف و اهداف پیوست فرهنگی، شاخص‌های اصلی برای این ارزیابی از نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استخراج گردد. در ادامه، شاخص‌های مذکور در ارزیابی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های شهری مورد بررسی قرار گرفت. سپس تفاوت پیوست فرهنگی و ارزیابی تأثیرات فرهنگی در ادبیات جهان با یکدیگر مقایسه گردید. در بخش پایانی نیز به منظور تسهیل کار پژوهشگران حوزه پیوست فرهنگی سعی شده است الگوی عملیاتی ارزیابی تأثیر فرهنگی بر اساس الگوی جهانی آن توضیح داده شود.

واژگان کلیدی: پیوست فرهنگی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیوست‌نگاری فرهنگی، الگوی عملیاتی انجام پیوست‌نگاری فرهنگی.

فرهنگ در طول تاریخ جریان نوسازی نسبت به سایر حوزه‌ها، به‌ویژه اقتصاد سرکوب شده بود و تا اواسط دهه ۱۹۷۰، که نوسازی و توسعه بر اساس خاستگاه‌های اقتصادی آن تعریف می‌شد، هدف عمدتاً افزایش رشد اقتصادی و فناوری و ترغیب افراد به کار و فعالیت بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی بود. در نظریه‌پردازی کلاسیک، مجموعه‌ای از متغیرهای غیرفرهنگی (از جمله اقتصاد و سیاست) به عنوان عوامل اصلی توسعه و پیشرفت در نظر گرفته می‌شد. پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن رویکرد پس از مدت کوتاهی منجر به این شد که در نظریه‌پردازی فرهنگی و جامعه‌شناختی، بحث «چرخش فرهنگی» (Cultural turn) مطرح شود که منظور از آن، اهمیت روزافزون فرهنگ در جهت دادن به تحولات اجتماعی جامعه امروز است. به عبارت دیگر، امروزه از فرهنگ رونمایی شده و سهم آن در تعیین کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی افراد مورد مباحثه جدی قرار گرفته است. بحث «چرخش فرهنگی» بیانگر حضور استقلال‌خواهانه فرهنگ در تحولات اجتماعی و دخالت در تعیین دسته‌بندی‌ها و مرزهای اجتماعی است. در این فضا، دیگر استعمار اجتماع و فرهنگ توسط اقتصاد و سیاست، که با جهت‌گیری علم تمایزخواه نوین همراه بوده است، تحمل‌پذیر و روا پنداشته نمی‌شود. «چرخش فرهنگی» به معنای گذار از جهان تولیدمحور و اقتصادمحور به سوی اهمیت فرهنگ و نقش روزافزون عناصر آن در جهت‌دهی به تحولات اجتماعی است (سایر، ۱۹۹۹ به نقل از عنبری، ۱۳۸۷، ۶۱).

علاوه بر چرخش فرهنگی در حوزه نظریه‌پردازی اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی، حوزه فرهنگی یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی و سرلوحه انقلاب بود. جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره و زندگی بر اساس اصول یادشده، از اصلی‌ترین اصول در سیاست‌گذاری فرهنگی از سوی سردمداران و بزرگان انقلاب به‌ویژه رهبر انقلاب (ره) بود. علاوه بر این، در دوره‌های بعد به‌ویژه در سال‌های اخیر به دلیل پشت سر گذاشتن شرایط اضطرار در سایر حوزه‌ها، حوزه فرهنگی از سوی بزرگان نظام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

مقام معظم رهبری، دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامیده‌اند و در راستای آن، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شده است. مهندسی فرهنگی، یکی از راهبردهای اصلی در راستای مدیریت فرهنگ برای پیشرفت است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده‌اند. یکی از ابزارهای لازم برای تحقق مهندسی فرهنگی، پیوست فرهنگی است.

پیوست فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی، حامل پیام ویژه‌ای برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی است (رضایی، ۱۳۹۱).

ضرورت تهیه پیوست فرهنگی تا حدی است که در صدر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بیان شده و اولین نکته مورد توجه، تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹). در کتابچه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره چرایی، چیستی و الگوی اجمالی پیوست‌نگاری فرهنگی، در توضیح خاستگاه پیوست فرهنگی در ایران بیان شده است. خاستگاه پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری جدید در مدیریت فرهنگی، حداقل ناشی از دو ضرورت است: ۱) تهدیدها و فرصت‌های فرهنگی که در مقابل نظام اسلامی وجود داشته است یا خواهد داشت؛ ۲) تجربه سه دهه گذشته که مدیریت و رهبری کشور برای عبور از مشکلات مختلف به کار گرفته است (رضایی، ۱۳۹۱).

با توجه به چرخش فرهنگی در ادبیات توسعه در جهان و با توجه به تأکید فراوان بر فرهنگ در دهه چهارم انقلاب در ایران، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر، حوزه فرهنگی نقش مهمی در پیشرفت و توسعه در گستره جهانی و ملی دارد.

بیان مسئله

توجه به مقولات اجتماعی و فرهنگی و لحاظ کردن آن در الگوی پیشرفت و توسعه، جنبه‌های مختلفی دارد. یکی از جنبه‌های مذکور، بررسی پیامدها و دستاوردها است. به عبارت دیگر، توجه به مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی و نقش آن‌ها در توسعه و پیشرفت، از مسیر آثار و پیامدهای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها بر مقوله‌های مذکور است. در حال حاضر، این حوزه در ادبیات پژوهشی دنیا حوزه ارزیابی «تأثیرات اجتماعی و فرهنگی» نام دارد.

ظهور این حوزه مطالعاتی برای رفع خلاءهای موجود در فرایند توسعه سیاست‌محور، اقتصادمحور، فن‌سالار، آمرانه و غیره بود. این فرایند توسعه، مبتنی بر بیش‌ترین منافع و کمترین هزینه‌ها بود. این مسئله موجب شده است که بسیاری از سیاست‌گذاران، به‌ویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، درصدد ارزیابی تأثیرات بالقوه و بالفعل دخالت دولت در بخش‌های مختلف جامعه برآیند. این امر به شناخت قوت‌ها و ضعف‌های هر طرح کمک

مؤثری می‌کند که طی آن پس از توصیف، تحلیل و تبیین مسائل شهروندان، که ناشی از اجرای طرح‌ها است، هدف، دستیابی به مدلی واقع‌گرا، جامع‌نگر و آینده‌نگر است که در نتیجه آن، بتوان به مدیریت و مهندسی حوزه‌های مختلف جامعه پرداخت (ابراهیم‌پور و مصطفوی، ۱۳۸۷، ۸۸). بنابراین، فرایند ارزیابی آثار طرح‌ها، جزء مهمی از برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است که در سراسر جهان به کار گرفته می‌شود (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸، ۳۱).

ارزیابی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، ذیل مباحث توسعه فرهنگی می‌گنجد. یونسکو و پژوهشگرانی که اولین بار مفهوم توسعه فرهنگی را به کار بردند، جریان‌های تاریخ توسعه را مورد توجه قرار دادند. به اعتقاد ایشان، تاریخ توسعه شاهد بی‌توجهی به نقش فرهنگ و ویژگی‌های زندگی مردم در اقدامات توسعه‌ای بوده است. همان‌طور که بیان گردید، این ایده از میانه دهه ۱۹۷۰ مطرح شد که اقدامات توسعه‌ای باید با توجه به حقوق مردم، ویژگی‌های غیراقتصادی اجتماعات میزبان توسعه، لحاظ کردن دانش بومی، و مشارکت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای اقدامات توسعه‌ای انجام شود. توسعه فرهنگی در این معنای خاص، توسعه امکانات تولید، توزیع، مصرف و فعالیت فرهنگی نیست و ویژگی‌های خاص لازم برای نیل به توسعه را شامل نمی‌شود. گرچه گسترش تولید، توزیع و مصرف فرهنگ، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه فرهنگی باشد. توسعه فرهنگی در این معنا به معنی انجام اقدامات توسعه‌ای، نظیر ساخت سد، کارخانه، شهرسازی، توسعه کشاورزی و غیره است. توسعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، روابط قدرت، گروه‌های ذینفع و همه موجودیت‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی صورت می‌گیرد که در یک جامعه وجود دارد. در این رویکرد، اهداف توسعه‌ای به گونه‌ای تنظیم می‌شود که حداکثر مشارکت مردم در توسعه تحقق یابد، نیازهای مردم در اولویت قرار گیرد، و فرایندی مشارکتی بر کل فرایند نیازسنجی تا اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه حاکم گردد. در فرایند توسعه فرهنگی، بر توجه به متغیرهایی مانند عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی، شنیدن صداهای اقشار ضعیف در فرایندهای توسعه‌ای، ارزش‌هایی نظیر عدالت و کرامت انسانی در بطن اقدامات توسعه‌ای و رویکردهای مدیران توسعه، و محور قرار گرفتن انسان و ارزش‌های او در فرایند توسعه تأکید می‌شود.

مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازماندهی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Sagnia, 2004, 4). از این

رو، مفهوم ارزیابی تأثیر فرهنگی (Cultural Impact Assessment) به معنای ارزیابی تأثیرات طرحی بر باورها، ارزش‌ها، یا عملکرد و سایر مؤلفه‌های فرهنگی جمعیت خاصی است که طرح یا برنامه‌ای قرار است برای آن‌ها اجرا شود.

فلسفه وجودی ارزیابی تأثیر فرهنگی و اجتماعی، تلاش آگاهانه و از پیش طراحی شده برای جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی و اجتماعی، سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها، بهره‌گیری از علوم، فناوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی و نیز اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و داخلی است تا بتوان تأثیرات غیرمستقیم فرهنگی و اجتماعی و تأثیرات ناخودآگاه و ناخواسته آن‌ها در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی را کاهش داد (بنیانیان، ۱۳۸۷).

در سطح جهانی، بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی، و کمیته بین‌المللی ارزیابی تأثیر از جمله نهادهایی هستند که به منظور بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های توسعه یا کمک مالی به کشورها به تدوین دستورالعمل و چارچوب انجام مطالعات ارزیابی تأثیر پرداخته‌اند.

در ایران نیز با توجه به تأکید برنامه پنجم توسعه بر لزوم انجام پیوست‌های فرهنگی و با توجه به پیامدهای برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه، فعالیت‌هایی (تدوین دستورالعمل اجرایی، همایش و کنفرانس و غیره) برای عملیاتی کردن آن انجام شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، شاخص‌ها و متغیرهای لازم در سنجش آثار و پیامدهای فرهنگی، استخراج و الگوی عملیاتی کردن سنجش پیامدها بر اساس الگوی جهانی تدوین گردد.

بنابراین، در بخش اول دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان خواهد شد و در ادامه، شاخص‌های مورد نظر استخراج خواهد گردید. سپس تفاوت دیدگاه بین‌المللی موجود درباره پیوست فرهنگی و ارزیابی تأثیر فرهنگی با موارد مطرح در ایران و برنامه پنجم توسعه توضیح داده می‌شود. در پایان، الگوی عملیاتی انجام پیوست‌نگاری فرهنگی با تأکید بر شاخص‌های استخراج شده در حوزه مدیریت شهری بیان خواهد شد.

۱. جایگاه پیوست فرهنگی در بررسی‌های مربوط به ارزیابی تأثیر

تاریخچه ارزیابی تأثیر به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. اما بعد از سال ۱۹۸۰، روش‌های جدیدی برای ارزیابی تأثیرات مختلف به وجود آمد. در ابتدا تأثیرات محیطی ارزیابی می‌شد و در ذیل آن نیز بررسی‌هایی با عنوان ارزیابی تأثیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره انجام می‌گردید. اما بعداً هر کدام از حوزه‌های مذکور، مستقل شدند و خود حوزه جداگانه‌ای را تشکیل دادند (باینگانی و شکوهی، ۱۳۸۸).

ارزیابی تأثیر به معنای تغییرات پایدار در زندگی مردم است که مداخله‌ای خاص آن را ایجاد می‌کند (Becker, H. A., & Vanclay, 2006). ارزیابی تأثیر به معنای ارزیابی چگونگی و میزان وقوع تغییر تعریف شده است. پیوست فرهنگی در ایران از سال ۱۳۸۶ در بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح گردید. «در طرح‌های گوناگونی که در کشور تنظیم می‌شود... طرح‌های اقتصادی، طرح‌های پولی و مالی، طرح‌های عمرانی حتماً یک پیوست فرهنگی داشته باشد و...» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۱-۱. تعریف ارزیابی تأثیر فرهنگی (پیوست فرهنگی)

مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازمان‌دهی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین هدف پیوست فرهنگی، ایجاد زمینه و شرایطی است که در آن ضمن اجرای مطلوب طرح‌های اقتصادی، ارزش‌ها و میراث فرهنگی ملی و بومی نیز حفظ گردد.

هدف اصلی ارزیابی تأثیر فرهنگی عبارت است از:

- ۱) شناخت هویت و دامنه منابع فرهنگی و تاریخی ارزشمند و مهم؛
- ۲) شناسایی میزان تأثیرپذیری این منابع از اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها؛
- ۳) ارائه راهکاری مناسب برای جلوگیری از ایجاد تغییرات نامناسب فرهنگی و حفظ تنوع فرهنگی.

با اجرای پیوست فرهنگی، سازمان‌ها و مؤسسات و کارگزاران طرح‌های عمرانی و اقتصادی در قبال تأثیرات فرهنگی طرح‌ها مسئول هستند و اقدامات لازم برای کاهش یا جبران تأثیرات مذکور را باید انجام دهند.

پیوست فرهنگی در واقع مجرای است که از طریق آن، پیشرفت کشور بدون آسیب به

هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی انجام می‌شود. گرچه جهت‌گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی است. در همان حال، زمینه‌ساز اجرای موفق و صحیح طرح‌های عمرانی نیز خواهد بود (بنیانیان، ۱۳۸۹). پیوست فرهنگی عبارت است از: فرآیند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی، آگاه‌سازی و مدیریت پیامدهای مثبت و منفی و تأثیرات احتمالی اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ها و اجرای طرح‌های جاری یا پیشنهادشده بر نظام هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه در درون یک نظام فرهنگی و نیز بر زندگی، نهادها و الگوهای فرهنگی درون آن نظام. پیوست فرهنگی با هدف مدیریت تأثیرات فرهنگی مثبت و منفی ناشی از تدوین یک سیاست و قانون یا یک برنامه و اجرای طرح توسعه‌ای انجام می‌شود.

۲. بنیان‌های معرفتی نظریه‌های ارزیابی اجتماعی و فرهنگی

هر الگوی خاصی که قابلیت و ارزشمندی داشته باشد، قطعا از آبخشور معرفتی و نظری خاصی نیز برخوردار است. ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی نیز آبخشور معرفتی خاصی دارد. در سطحی کلان، نظریه‌های عقلایی، هنجاری، نهادی و نسبی‌گرا، آبخشور معرفتی نظریه‌های ارزیابی هستند.

نظریه عقلایی مبنای ارزیابی‌های اجتماعی و فرهنگی به صورت کمی است. این ارزیابی‌ها عملاً در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا به شکل بودجه (در اشکال گوناگون) نهادینه شده است. نهادینه شدن نظام برنامه و بودجه در دیوان‌سالاری دولتی، راه را برای ارزیابی‌های تکراری و محاسبات مربوطه هموار کرده است. اما شایان ذکر است که این روش‌ها، نقش مهمی در نظم و انضباط مالی دولت‌ها دارند و می‌توانند مبنای حداقلی (هر چند نه کامل) ارزیابی سیاست‌های دولتی را فراهم کنند. پس نمی‌توان به صرف ضعف‌های موجود در این روش‌ها، سودمندی آن‌ها را انکار کرد.

نظریه نهادی با قرائت رسمی قانونی آن، یکی از نظریه‌هایی است که در سطحی کلی می‌تواند مبنایی برای ارزیابی‌های رسمی باشد که نظریه عقلایی را تکمیل می‌کند. این نظریه، اهداف مصرح قانونی و سیاست‌های اعلامی را مبنای قرار می‌دهد و بر این اساس، به ارزیابی سیاست‌ها می‌پردازد. پرسش ارزیاب آن است که آیا به اهداف مصرح قانونی نایل شده‌ایم یا خیر؟ اگر سیاست‌های اعلامی توسط مراجع قانونی به صورت کمی شاخص‌گذاری شده باشد، ترکیب بین نگاه عقلانی و نگاه نهادی حاصل شده است.

اما نگاه کلان دیگری که در ادبیات ارزیابی به‌ویژه در سابقه تاریخی عملی ارزیابی، مورد

استفاده قرار گرفته است، نگاه نسبی‌گرایانه است. این نگاه به گرایش ارزیاب یا گروه‌های درگیر در یک سیاست منوط است. هر کسی، گروهی یا گرایشی بنا به نیازها و سلاقی و افکار و ایده‌های خود، یک سیاست را ارزیابی می‌کند. احزاب و گروه‌های سیاسی نیز هر یک بر اساس دیدگاه‌های خود یک سیاست را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ارزیابی تابعی از منافع و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. از این رو، این رویکرد به گرایش سیاسی در ارزیابی نیز مشهور است. این گرایش بر خلاف نظریه‌های مذکور، فرصت بیشتری برای توجه به آرای گروه‌های مختلف شهروندان و مشارکت اجتماعی پدید می‌آورد. همچنین این امکان را به وجود می‌آورد که افراد و گروه‌های واسطه‌ای و مستشار به کمک افراد و گروه‌های اجتماعی آمده و آن‌ها را در ارزیابی سیاستی یاری دهند و به آن‌ها کمک‌های فنی ارائه کنند. در چنین رهیافتی یک سیاست می‌تواند برای یک گروه کاملاً مطلوب و برای گروه دیگر، کاملاً نامطلوب تلقی شود. این رهیافت هر چند سیاسی نامیده می‌شود، اما به معنای آن نیست که منویات رژیم سیاسی یا دولت در ارزیابی سیاست‌ها ملاک ارزیابی قرار گیرد. بلکه بر عکس ارزیابی، بخشی از فرایند مبارزه قدرت گروه‌های مختلف اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که دولت فقط یکی از آن گروه‌هاست (اشتریان، ۱۳۹۱، ۲۸۱-۲۸۳).

ارزیابی سیاست فرهنگی در عمل بیش از هر چیز تحت تأثیر نظریه نسبی‌گرایانه است، زیرا حوزه فرهنگی، سرشار از قضاوت‌های ارزشی و سلیقه‌های گوناگون و متنوعی است که عملاً امکان نیل به وفاق نظری و توافق تحلیلی را سلب می‌کند. در حوزه سینما، نشر، فعالیت‌ها و رفتارهای فرهنگی، افکار و اندیشه‌های اجتماعی، گرایش‌ها و ذوق و سلیقه‌های هنری و غیره، چنان تنوعی وجود دارد که امکان ارزیابی یگانه و منحصربه‌فرد و قطعی را سلب می‌کند.

۳. زمینه‌های شکل‌گیری ارزیابی فرهنگی در ادبیات بین‌المللی

دو اقدام مهم و تأثیرگذار در سطح بین‌المللی، زمینه ظهور ارزیابی تأثیر فرهنگی را فراهم کرد: (۱) تأسیس سازمان جدیدی در سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا، که مؤسسات مربوط به ارزیابی‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فناورانه، بهداشتی و غیره را شامل می‌شد. در حقیقت، این سازمان زمینه ظهور ارزیابی تأثیر فرهنگی را فراهم کرد. (۲) در اجلاس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲، موضوع تأثیرات محیطی اقدامات توسعه‌ای به عنوان ابزار مناسبی برای توسعه پایدار مورد توجه قرار

گرفت و از آنجایی که لازمه تهیه گزارش‌های مربوط به ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، بهره‌گیری از علوم انسانی و تجربی بود، به تدریج بررسی مؤلفه‌های اجتماعی، هنگام انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفت که در نهایت، موجب گردید اصول و دستورالعمل‌های معینی درباره ارزیابی تأثیر اجتماعی تدوین شود. این مسئله گام دومی برای تدوین اصولی برای ارزیابی تأثیر فرهنگی بود که در سومین همایش سالیانه بین‌المللی تنوع فرهنگی در سال ۲۰۰۲ انجام گردید. (Sagnia, 2004)

۴. برداشت از فرهنگ در ارزیابی تأثیر فرهنگی

وقتی که به ارزیابی تأثیرات فرهنگی - اجتماعی پدیده‌هایی مانند طرح‌های عمرانی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌پردازیم، لزوماً با مفهوم گسترده‌ای از فرهنگ مواجه هستیم. دامنه تأثیرات به اندازه‌ای گسترده است که نمی‌توان به مفهومی محدود از فرهنگ اکتفا کرد. یک پدیده اقتصادی یا صنعتی محدودیت‌هایی یا گشایش‌هایی در زندگی روزمره ما به وجود می‌آورد و باعث پیدایش تحولاتی در زندگی ما می‌شود. تحول در ابزارها می‌تواند تا حدودی تغییر در رفتارها را توضیح دهد. این رفتارها نیز در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و بینش‌های ما تأثیر گذارند. اگر فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و به طور کلی، روش زندگی است، پس تحولات اقتصادی، صنعتی، سیاسی و غیره، متغیری اساسی در شکل‌دهی به این فرهنگ و به طور کلی، خود فرهنگ محسوب می‌شود و فراتر از یک متغیر مستقل، بلکه یک متغیر ذاتی و درونی برای فرهنگ است.

۵. ماهیت و ابعاد تأثیرات فرهنگی

مطالعات پیوست فرهنگی، واجد ابعاد و ویژگی‌هایی است که از حیث روش‌شناسی، موضوعات دیگری را مطرح می‌کند. از این رو، با نگاهی به ماهیت و ابعاد نظارت و ارزیابی فرهنگی، می‌توان مشخصه‌هایی را برای پژوهش‌های ارزیابی تأثیرات فرهنگی بیان کرد.

۵-۱. ارزیابی تأثیر با مسائل پیچیده و کلی سر و کار دارد. از این رو، نظریه‌های کل‌گرا و روش‌های حل مسئله در این خصوص باید مورد استفاده قرار گیرد.

۵-۲. ارزیابی تأثیر، بین‌رشته‌ای و چندجانبه است. از این رو، از حیث نظریه و روش‌شناسی می‌توان از نظریه‌های میان‌رشته‌ای به ویژه از نظریه گفتگویی، نظریه پیچیدگی و غیره استفاده کرد. در این راستا و به مثابه فن پژوهش می‌توان فنون واسطه‌گری، مشارکتی،

تفهمی و تحلیل استدلال را مورد استفاده قرار داد. فنون مذکور می‌تواند بین شاخه‌های مختلف علمی، هم‌زبانی و تفاهم پدید آورد و دیدگاه‌های آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کند. ارزیابی تأثیر به لحاظ ماهیت چندگانه خود، نسبی است.

۳-۵. ارزیابی تأثیر، بین‌سازمانی است. نظریه‌های کل‌گرا مانند نظریه‌های روش‌شناسی و روش تجزیه و تحلیل شبکه‌ای، به مثابه فنون روش پژوهش، قابل کاربرد است. هماهنگی سیاست‌ها و سازمان‌های درگیر در ارزیابی تأثیر، از طریق تحلیل شبکه قابلیت الگوسازی می‌یابد. از موارد کاربرد تحلیل شبکه، می‌توان طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی طرح‌ها، نظام‌های حمل و نقل، شبکه‌های ارتباطی، پخش و انتشار بیماری‌های واگیردار، زیست‌سنجی رایانه‌ای، نظریه سازمانی، تحلیل متون و نوشته‌ها، نظریه سازمان، پژوهش‌های تبارشناسی و تحلیل وقایع را نام برد.

۴-۵. ارزیابی تأثیر، هنجاری است. تأثیر سیاست‌های عمومی جنبه‌های گوناگونی دارد و بر گروه‌های مختلف اجتماعی، تأثیرات متفاوت و گاه متضادی دارد. در هر یک از دیدگاه‌های گوناگون، بر اساس ارزش‌ها و هنجارها و به گونه‌ای متفاوت، یک سیاست ارزیابی می‌گردد. در نظریه هنجاری در روش‌شناسی، مبانی ارزشی و فلسفی سیاست‌ها مورد توجه است و دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود. از رویکردهای کلان و متنوعی مانند آزادی‌خواهی (لیبرالیسم) و جامعه‌خواهی (سوسیالیسم) تا رویکردهای خردتر و ارزش‌های خاص اجتماعی، سیاسی، مدیریتی مانند مشارکت، کارآمدی، حقوق شهروندی، محله‌گرایی و غیره. ابزارهای ارزیابی تأثیر در نظریه‌های هنجاری، معمولاً ابزارهایی مفهومی است و با روش تحلیلی انجام می‌شود.

۵-۵. ارزیابی تأثیر، واجد جنبه‌های عینی است. از این رو، نیازمند استفاده از نظریه عقلایی و فنون قابل استخراج از آن است. فن تحلیل هزینه-فایده و هزینه-اثربخشی و غیره، از آن جمله است (اشتریان، همان، -۳۰۲ ۳۰۷).

ماهیت و ابعاد تأثیر فرهنگی-اجتماعی	نظریه روش شناسی	فن
بین رشته‌ای، چندجانبی و نسبی	نظریه گفتگویی نظریه تفسیری نظریه کثرت‌گرایی	واسطه‌گری تفاهمی مشارکتی تحلیل محتوا
بین‌زمانی	نظریه نهادی نظریه پیچیدگی نظریه کل‌گرا	تحلیل شبکه
چندبعدی بودن بودن مسئله	نظریه کل‌گرا	صورت‌بندی (فرموله کردن) مشکل
ارزشی	هنجاری کثرت‌گرایی	تحلیلی استدلال قیاسی و استقرایی
عینی	عقلانی	تحلیل هزینه-فایده و هزینه-اثربخشی

منبع: اشتریان، ۱۳۹۱

۶. مفهوم‌سازی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی ارزیابی (پیوست) فرهنگی

ارزیابی تأثیرات فرهنگی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها به طرق مختلفی میسر است. ابزارهای گوناگونی نیز در این راستا به کار می‌رود. مفهوم‌سازی فرهنگی، یکی از مهمترین ابزارها است. مفهوم‌سازی فرهنگی فرایندی است که از طریق آن، بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در بافت اجتماعی و فرهنگی خاصی، مفاهیمی تعریف و تدوین می‌گردد. از آنجایی که این مفاهیم از بطن وضعیت فرهنگی و اجتماعی خاصی پدید آمده است، بیشترین توان تبیینی آن‌ها در همان بافت و زمینه است (اشتریان، ۱۳۹۱). ادبیات موجود تفکر و علم بیش از هر چیز تحت نفوذ ابزارهای مفهومی اقتصادی و کمتر فرهنگی، اجتماعی و انسانی است. بی‌توجهی به مفاهیم فرهنگی و اجتماعی از سوی حوزه علم و تفکر و حوزه مدیریت جامعه جدید، سه دلیل عمده داشته است: ۱) غلبه رویکرد اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) بر تفکر علمی؛ ۲) مفاهیم فرهنگی و اجتماعی به

راحتی مفاهیم اقتصادی کمی‌پذیر و قابل اندازه‌گیری نیستند؛ ۳) مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی به دلیل ارائه بیان کاری و سرپوش گذاشتن به ضعف‌های مدیریتی خود، به معیارهای کمی و نموداری گرایش دارند تا از بار مسئولیت شانه خالی کنند.

۱-۶. دو رویکرد در نگاه مفهومی به ارزیابی تأثیرات فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران

ابزارهای مفهومی با توجه به فرهنگ کشورها و متن اجتماعی و سیاسی آن‌ها، می‌تواند متفاوت باشد. ظاهراً در ایران با توجه به شرایط فرهنگی و مبانی ارزشی حاکم بر سیاست‌ها، می‌توان از ابزارهای مفهومی ویژه‌ای برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی فرهنگی سیاست‌ها و طرح‌ها استفاده کرد. در این راه، دو رویکرد وجود دارد:

۱. رویکرد رسمی - قانونی

۲. رویکرد تحلیلی

در رویکرد رسمی، اسناد رسمی سیاستی جمهوری اسلامی مبنا قرار داده می‌شود. در اسناد مذکور، مجموعه گسترده‌ای از هنجارها و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ و اجتماع بیان شده است. ارزش‌هایی مانند اخلاق، خانواده، ایمان و غیره. مراجعه به اسنادی مانند سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی، قانون اساسی و غیره می‌تواند بیانگر فهرستی از ارزش‌های فرهنگی باشد که مبنایی برای شناسایی ابزارهای مفهومی تأثیر سیاست‌ها هستند.

رویکرد دوم، رویکردی تحلیلی است که از طریق آن خبرگان و اندیشمندان می‌توانند به شناسایی ارزش‌هایی دست یابند و این ارزش‌ها را مبنایی برای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه قرارداد کنند. این قراردادها خود در حکم ابزارهایی برای ارزیابی سیاست‌ها و طرح‌ها هستند.

برخی از مفاهیم این حوزه با عنوان متغیرهای راهبردی شناخته می‌شود که می‌تواند با توجه به برنامه‌ها و راهبردها و فرهنگ هر کشور متغیر باشد. با توجه به شرایط و در قالب تحلیلی نظری، چند حوزه اساسی فرهنگ قابل شناسایی است. نخست اینکه، معنویت توحیدی وجه تمایز اصلی و افتراق جمهوری اسلامی از سایر رژیم‌های سیاسی است (یا باید باشد). در ضمن، فرهنگ پدیده‌ای است که با نگاهی هستی‌شناسانه آغاز می‌شود و رابطه انسان را با جهان هستی و مبدأ آن تعیین می‌کند (معنویت). دوم اینکه، در مجموعه‌ای از ارتباطات سیاسی، اجتماعی رشد می‌کند. به بیان دیگر، انسان در بستری از عرف، آزادی و مشارکت سیاسی، خود را به گونه‌ای نوآورانه با تحولات انطباق می‌دهد. سوم اینکه، محیط زیست اقتصادی انسان (ثروت) و رویه‌های انتظام‌بخش زندگی اجتماعی وی (عدالت) نیز

به همان سان در شکل‌گیری فرهنگ و روش زندگی او تأثیرگذارند (همان، ۲۹۷-۲۹۹). در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از رویکرد دوم، یعنی رویکرد تحلیلی سخنان مقام معظم رهبری در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بررسی انجام شود و ارزش‌ها و اولویت‌های مورد تأکید ایشان استخراج گردد.

۷. الزامات انجام پیوست فرهنگی در راستای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مقام معظم رهبری در تشریح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان فرموده‌اند: «جان کلام در این بحث، این است که ما باید توسعه و پیشرفت را بازشناسی کنیم، ببینیم برای کشور ما، برای جامعه ما، الگوی پیشرفت چیست؟... ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است» (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

ایشان همچنین در تشریح برنامه پنجم توسعه بیان فرموده‌اند «انتظار داریم در دوره پنج‌ساله آینده {برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه} اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آن است، توسط قوای سه‌گانه کشور انجام شود (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹).

بیانات مقام معظم رهبری درباره الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و نقش پیوست فرهنگی در این حوزه، میزان اهمیت موضوع را روشن می‌کند. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری می‌توان شاخص‌های زیر را استخراج کرد.

۷-۱. انتفاع انسانیت

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری «پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوییم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت،

برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه تفارق اساسی، نگاه به انسان است».

۷-۲. انسان شناسی اسلامی و دینی (ارتقاء معنویت، خداپرستی و انسان گرایی الهی)

مقام معظم رهبری در تبیین الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بیان کرده‌اند «آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. معنویت، پایه اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بعد معنوی قوی است». ایشان در تبیین انسان شناسی اسلامی در نگاه کلان می‌فرمایند «در نگاه کلان به انسان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه افراد. یکایک افراد جامعه بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده افراد انسان است. در این نگاه می‌بینید انسان همه‌کاره این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان».

۷-۳. توجه به خاص بودگی جامعه ایران

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر می‌کنند، دنبال این نباشند که فرمول‌های اقتصادی سایر جوامع، فرمول‌های بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم. نباید از وجوه اشتراک غفلت کنیم. وجوه اشتراکی وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه‌یافته غربی کاملاً وجود داشته است. روح خطرپذیری - که جزء خلیقات و خصال خوب اروپایی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط لازم است. اگر اینها در جامعه‌ای نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. اینها را باید یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم. اگر هم در منابع خودمان باشد، آن‌ها را باید فرا بگیریم و عمل کنیم».

۴-۷. تفاوت رویکرد پیوست فرهنگی در ادبیات بین‌المللی با آنچه در ایران مورد توجه است

منظور از ادبیات بین‌المللی یا الگوی بین‌المللی ارزیابی تأثیر فرهنگی، ادبیات و الگویی است که از سوی برخی نهادهای جهانی، مانند بانک جهانی یا انجمن‌های بین‌المللی ارزیابی تأثیر به عنوان الگویی عام ارائه شده است. تأکید پیوست فرهنگی در ادبیات جهانی، بر حفظ الگوهای فرهنگی و تنوع فرهنگی و یافتن راه‌حلی برای جلوگیری از استحاله یا ذوب شدن نمادها و عناصر فرهنگی در اثر فرایند توسعه است که ناشی از یک سیاست، برنامه یا طرح است. هدف اصلی این نوع مطالعات، آسیب‌شناسی فرهنگی در فرایند توسعه و در حد امکان جلوگیری از آسیب‌پذیری همه جنبه‌های فرهنگ، نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، ادبیات، هنر، معماری، سبک زندگی و شیوه زندگی، الگوهای کار و زندگی و غیره است (کلهر، ۱۳۸۹).

ارزیاب فرهنگی، به بررسی میزان آسیب‌پذیری عناصر مذکور در اثر اجرای سیاست، برنامه یا طرح می‌پردازد. وی سعی می‌کند آثار منفی آن‌ها بر فرهنگ و عناصرش را کاهش دهد. علاوه بر آثار منفی ارزیاب فرهنگی، مؤلفه‌ها و عناصری را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد که در اثر سیاست، طرح یا برنامه تقویت می‌شود.

در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اجرای پیوست فرهنگی در ایران در عین توجه و به‌کارگیری ادبیات موجود در این حوزه می‌تواند از دو جنبه با پیوست فرهنگی در ادبیات بین‌المللی متفاوت باشد.

۱) تأکید پیوست فرهنگی در این الگو، بر ابعاد معنوی فرهنگی به ویژه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی و دینی است.

۲) پیوست فرهنگی، معنای گسترده‌تری می‌یابد و یک مرحله جلوتر از برداشت ادبیات موجود درباره پیوست فرهنگی است. بر اساس آموزه‌های مطرح شده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیوست فرهنگی باید علاوه بر پایبندی به نقشی که در ادبیات بین‌المللی مطرح شده است، ظرفیتی را ایجاد کند که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی اسلامی مبتنی بر ارتقاء معنویت، خداپرستی و انسان‌گرایی الهی را در الگوی پیشرفت در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها انعکاس دهد.

این ظرفیت‌سازی فرهنگی در الگوی پیشرفت، توسط متفکران مسلمان ایرانی و با بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه ایران تحقق خواهد یافت.

۷-۵. شاخص‌های پیوست فرهنگی براساس آموزه‌های الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان شاخص‌های پیوست فرهنگی در تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را بیان کرد:

(۱) رشد و بالندگی انسان‌ها

(۲) عدالت اجتماعی و اقتصادی

(۳) انتفاع انسانیت

(۴) ایجاد روابط انسانی

(۵) ایجاد دنیایی آباد و آزاد

(۶) ایجاد حکومت حق

(۷) معنویت‌گرایی

با توجه به استخراج هفت شاخص فوق برای ارزیابی تأثیرات فرهنگی یا همان پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به شاخص‌ها می‌پردازیم تا پژوهشگران در حوزه عملیاتی و مطالعات میدانی بتوانند از این شاخص‌ها در ارزیابی تأثیرات فرهنگی استفاده نمایند.

۷-۵-۱. رشد و بالندگی انسان‌ها: رشد و بالندگی انسان منوط به توجه به انسان به عنوان جانشین خداست. کرامت انسانی و احترام به او به عنوان جانشین خداوند، یکی از اصلی‌ترین متغیرها در این حوزه است. کرامت انسانی می‌تواند به طرق مختلف تحقق یابد: (۱) محور بودن انسان در اجرای یک سیاست، برنامه یا طرح، به این معنا که پیامدهای یک طرح، معطوف به توانمندسازی انسان در راه شناخت و کشف قدرت الهی و توانایی‌ها و ظرفیت‌های وی به عنوان جانشین الهی است. کمک به بالندگی استعداد و توانایی‌های انسان، یک از اصلی‌ترین پیامدهایی است که باید خروجی تغییرات و اقدامات توسعه‌ای داشته باشد. این محور بودن می‌تواند پیشرفت و تغییری را شامل شود که در نهایت، انسان به طور کلی، منتفع این تغییر و پیشرفت باشد نه ساختارهای خاص؛ (۲) احترام گذاشتن به نظر و رأی مردم در اجرای یک سیاست، برنامه یا طرح و جلب مشارکت واقعی و مبتنی بر تأثیرگذاری در فرایند تصمیم‌گیری و نظارت، یکی دیگر از متغیرهای مربوط به رشد و بالندگی انسان است؛ (۳) ادغام و جذب اجتماعی گروه‌های سنی، جنسی، قومی، مذهبی، طبقاتی، و جغرافیایی، متغیر سومی است که باید خروجی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای و پیشرفت در راستای رشد و بالندگی انسان به دنبال آن باشد؛ (۴)

تسهیل زمینه برای اتصاف به اوصاف الهی، نیازمند توجه به برخی متغیرها است که لازمه زندگی عزت‌مندانه در یک نظام دینی و الهی است. برخی از متغیرهای مذکور عبارت‌اند از: تحقق حقوق انسان‌ها و ایجاد زمینه برای شکوفا کردن حس زندگی، احساس امنیت، دسترسی به مزایای اجتماعی، سلامت، و غیره در قالب مؤلفه‌های کیفیت زندگی.

۲-۵-۷. عدالت اجتماعی و اقتصادی: بررسی نقش فرایند پیشرفت در ایجاد عدالت اجتماعی، به معنای بهره‌مندی همه آحاد جامعه است. شناسایی و بررسی مجراهایی که فرایند پیشرفت از طریق آن: (۱) بی‌عدالتی را گسترش می‌دهد و نهادینه می‌کند؛ (۲) منجر به تشدید فقر و نابرابری می‌شود؛ (۳) در الگوهای فرهنگی و محلی کار و زندگی اختلال ایجاد می‌کند؛ (۴) گذران اوقات فراغت، مصرف و به طور کلی سبک زندگی را دچار تغییر می‌کند؛ (۵) منجر به طرد گروه‌های اجتماعی خاص و غیره می‌شود، از جمله اصلی‌ترین موضوعاتی است که باید ذیل شاخص عدالت اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۵-۷. انتفاع انسانیت: منظور از انتفاع انسانیت، بررسی نقش فرایند پیشرفت و مداخلات توسعه‌ای بر بهره‌مندی و انتفاع انسانیت به طور عام است. به این معنا که نقش سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها در (۱) انتفاع نسل‌های مختلف؛ (۲) توسعه پایدار؛ (۳) ایجاد مشکلات و پیامدهای منفی ناشی از طرح برای گروه‌های خاص اجتماعی و غیره چقدر است؟

۴-۵-۷. ایجاد روابط انسانی: مسئله روابط انسانی پایدار، اتحاد و همدلی و زندگی مسالمت‌آمیز بدون تضاد میان گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه‌ای اسلامی و دینی، باید مقصود همه سیاست‌ها و برنامه‌هایی باشد که به منظور پیشرفت جامعه‌ای دینی اتخاذ و اجرا می‌شود. بنابراین، مهمترین متغیرهای ذیل این شاخص عبارت خواهد بود از: (۱) نقش پیشرفت و مداخله توسعه‌ای در اتحاد، انسجام و همبستگی بین امت اسلامی و شهروندان ایرانی؛ (۲) اقدامات توسعه‌ای در برقراری اخوت و برادری و حس نوع‌دوستی؛ (۳) نقش مداخله توسعه‌ای بر شبکه روابط انسان‌ها، الگوهای ارتباطی، رضایت‌مندی از اطرافیان؛ (۴) نقش مداخلات انجام شده به منظور پیشرفت در تقویت تضادهای موجود یا کاهش آن‌ها در جامعه اسلامی دارای تنوع فرهنگ قومی، جغرافیایی و مذهبی؛ (۵) نقش مداخله در مناسبات قدرت در حوزه ملی، منطقه‌ای و محلی؛ (۶) نقش مداخله در نوع روابطی که در اثر مداخله توسعه‌ای در حوزه زندگی خصوصی، خویشاوندی، محلی و کاری، اجتماعی و غیره به وجود می‌آید؛ (۷) آثار طرح بر اعتماد اجتماعی، اعتماد انتزاعی،

اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی و غیره.

۷-۵-۵. ایجاد دنیایی آباد و آزاد: منظور از ایجاد دنیایی آباد و آزاد، بررسی نقش اقدامات انجام شده به منظور پیشرفت در ایجاد: (۱) زیرساخت‌های آباد کردن دنیا تحت هستی‌شناسی اسلامی و دینی؛ (۲) آثار مداخله بر طبیعت و محیط زیست؛ (۳) پیامدهای مداخله بر احساس اختیار یا آزادی انسان‌ها از قید و بندهای مادی، (۴) نقش مداخله در از خودبیگانگی انسان‌ها و اسیر کردن آن‌ها در امور یک‌سویه که انسان را تک‌بعدی کند و غیره.

۷-۵-۶. ایجاد حکومت حق: ذیل این شاخص، نقش سیاست‌ها و برنامه‌های پیشرفت در ایجاد موارد زیر بررسی می‌گردد: (۱) استقلال اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی- ایرانی؛ (۲) نقش اقدام توسعه‌ای در نهادینه کردن حکومت عدل الهی، نهادهای سیاسی و منابع قدرتی که حامی و طرفدار حق و حقیقت باشد؛ (۳) نقش فعالیت‌های مبتنی بر پیشرفت در ایجاد کانون‌های قدریت (الیگارش) سیاسی و ایجاد زمینه برای ورود افراد نالایق در حوزه سیاست و حکومت‌داری و غیره.

۷-۵-۷. معنویت‌گرایی: ذیل این شاخص می‌توان تأثیرات و پیامدهای مداخلات برای تحقق پیشرفت در موارد زیر را مورد توجه قرار داد: (۱) گسترش معنویت‌گرایی در جامعه و اعتقاد به عالم غیب به معنای رعایت اعتدال در این حوزه و دوری از افراط‌گرایی مادی و عینیت‌گرایی اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و علم‌گرایانه؛ (۲) گسترش فضایل اخلاقی مبتنی بر صداقت، تعهد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی؛ (۳) گسترش مؤلفه‌های دینی و اسلامی در حوزه‌های مختلف زندگی، مانند کاهش یا تقویت احساس حضور و نقش خدا در همه لحظات زندگی انسان‌ها و گسترش فرایندهای دینداری و اجرای مناسک دینی گروه‌ها، اجتماعات، قومیت‌ها، اصناف به صورت بنیادی و مبتنی بر درونی‌سازی نه ظاهرسازی و صورتی.

۸. نتیجه گیری

شکل گیری انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بر اساس نظریه کلان فرهنگی منبعث از اسلام، به جهان معرفی گردید. یکی از مهم ترین خلاءهای نظام پیشین، بی توجهی به اسلام و شئون اسلامی و دینی در اداره امور کشور و امور روزمره مردم بود. انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر این خلاء شکل گرفت. جاری کردن آرمان های توحیدی و اسلامی و زنده نگه داشتن پرچم اسلام در سراسر جهان از اهم اهداف انقلاب ایران بود.

فرایند پرفراز و نشیب انقلاب در طی دهه های گذشته به دلیل جنگ، تحریم های اقتصادی و سیاسی و غیره، مسئولان نظام و مدیران را به توجه بیشتر به رفع نیازهای فوری مردم در حوزه اقتصاد و آبادانی وادار کرد. اما پس از گذشت دوران مذکور و با توجه به ضرورت های مدیریت تحولات اجتماعی بر مدار فرهنگ اسلامی، لزوم توجه به مقوله های فرهنگی پیش از پیش احساس شد. نظام جمهوری اسلامی با اجرای طرح های جهش و تحرک شدید اقتصادی در سال های اخیر و برنامه های توسعه آن در حوزه های مختلف، از رشد و توسعه فراوانی از جمله در حوزه منابع نفت و گاز، فناوری اطلاعات، انرژی هسته ای، مسکن و شهرسازی، آموزش، کشاورزی، پزشکی و غیره برخوردار شده است. شناسایی تحولات فرهنگی آینده و محورهای تغییرات عمده ای که از اجرای طرح های مذکور در حوزه فرهنگ در داخل کشور، منطقه و سطح جهان ایجاد می شود، در این مقطع زمانی کاملاً ضروری به نظر رسید و مدیریت تحولات آینده در حوزه فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. در این راستا مقام معظم رهبری مفاهیم و الگوهای خاصی را در این حوزه مطرح کردند که عبارت است از: مدیریت فرهنگ، مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی.

پیوست فرهنگی در راستای هماهنگی توسعه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با محوریت فرهنگ غنی اسلامی است.

با توجه به مسائل فوق و تأکیدهایی که در برنامه پنجم توسعه بر لزوم اجرای پیوست فرهنگی سیاست ها، برنامه ها و طرح ها شده است، در پژوهش حاضر، بررسی جنبه هایی از این مقوله و شاخص های آن بر اساس بیانات مقام معظم رهبری در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گرفت.

همان طور که بیان گردید، آنچه در ایران، پیوست فرهنگی نامیده می شود، در ادبیات بین المللی، ارزیابی تأثیر فرهنگی نام دارد. پیوست فرهنگی در ایران، با ارزیابی تأثیر

فرهنگی در ادبیات جهانی، تفاوت‌های خاصی دارد. در پیوست فرهنگی بر ابعاد معنوی فرهنگی به‌ویژه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی اسلامی و دینی تأکید می‌شود. پیوست فرهنگی، معنایی گسترده‌تر از موارد مطرح در ادبیات جهانی دارد و یک مرحله فراتر از برداشت ادبیات موجود از پیوست فرهنگی است. بر اساس آموزه‌های مطرح شده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیوست فرهنگی علاوه بر پایبندی به نقشی که در ادبیات جهانی برای آن طرح شده است، ظرفیتی را باید ایجاد کند که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی اسلامی مبتنی بر ارتقای معنویت، خداپرستی و انسان‌گرایی الهی در الگوی پیشرفت و در قالب سیاست‌ها، برنامه‌های و طرح‌ها انعکاس یابد.

این ظرفیت‌سازی فرهنگی در الگوی پیشرفت توسط متفکران مسلمان ایرانی و با بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه ایران تحقق خواهد یافت. این برداشت از پیوست فرهنگی، نیازمند توجه جدی است. همان‌طور که بیان گردید، این برداشت اشتراک‌هایی با ادبیات جهانی موجود درباره این حوزه دارد، اما درصدد فراتر رفتن از آن است. الزام‌های فراتر رفتن از آن چیست؟

ورود و اقدام در حوزه انعکاس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، نیازمند هوشیاری، شناخت و درک درست از منابع دینی و اعتقادی و مؤلفه‌های فرهنگی و سنتی ایران و شناخت فرایندهای اجتماعی شدن و نیازهای روز نسل‌های جدید و فرایندهای جهانی است.

اقدام شتاب‌زده و سهل‌انگارانه در این حوزه، نه تنها نتایج مثبتی در گنجاندن هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی و اسلامی در الگوی پیشرفت و توسعه پدید نخواهد آورد، بلکه، با خام‌اندیشی و تقلیل‌گرایی روح دینی و اسلامی، صدمه‌های فراوانی برای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی پدید خواهد آورد. پیشنهاد می‌شود با توجه به کمبودها و محدودیت‌هایی که در حال حاضر در این حوزه وجود دارد، پیوست فرهنگی در مراحل اولیه خود در کنار ادبیات جهانی و با تأکید بیشتر بر آسیب‌شناسی فرهنگی در حوزه باورهای دینی و زمینه‌های استحاله آن، اجرایی و عملیاتی شود. در این فرایند، عوامل و عناصر و فرایندهایی که زمینه بروز و شکوفایی هستی‌شناسی، نظام معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی را سست می‌کند، شناسایی شود.

در مرحله بعد، بر اساس تجارب و دانشی که تولید می‌شود، فرایند ورود هستی‌شناسی، نظام معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی، در قالب الگوی پیشرفت عملیاتی گردد.

آسیب‌شناسی و برآورد پیامدهای فرهنگی می‌تواند از طرق مختلف انجام شود. همان‌طور که در مقاله حاضر، بیان گردید، یکی از راه‌های سنجش پیامدهای مذکور، مفهوم‌سازی است. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش مفهوم‌سازی و الگوی سخنان بزرگان و نخبگان سعی شد شاخص‌هایی برای آسیب‌شناسی ارائه گردد. همچنین سخنان مقام معظم رهبری در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبنا قرار گرفت و شاخص‌های مطرح در این بیانات، به عنوان شاخص‌های پیوست نگاری فرهنگی ارائه گردید. امید است در آینده نزدیک با توجه به تربیت متخصصان داخلی در این حوزه، توان انعکاس شاخص‌های مذکور فراهم گردد و بررسی‌های پیوست فرهنگی از سطح آسیب‌شناسی به سطح ارائه رهنمود در مدیریت صحیح فرهنگی ارتقاء یابد.

۱۰۵

دفتر نشر الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
صلاح‌الدین قادری



منابع

- ابراهیم پور، محسن و مصطفوی، سیدرضا (۱۳۸۷)، **ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌ها**، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، **سیاست‌گذاری فرهنگی**، تهران: جامعه شناسان با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- باینگانی، بهمن و شکوهی، مرتضی (۱۳۸۸)، **اولین همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی**، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری، اداره پیوست اجتماعی و فرهنگی.
- بکر، هنک و ونکلی، فرنک (۱۳۸۸)، **راهنمایی بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی**، ترجمه هادی جلیلی. تهران: جامعه شناسان.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۹)، **کلید رفع مظلومیت فرهنگ**، قابل دسترس در www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، «چرایی، چیستی و الگوی اجمالی پیوست نگاری فرهنگی، در استانداری بوشهر»، مجموعه مقالات همایش ملی پیوست‌نگاری فرهنگی، بوشهر: استانداری بوشهر.
- روچ، کریس (۱۳۸۷)، **ارزیابی تأثیر پروژه**، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: اختران.
- عنبري، موسی (۱۳۸۷)، **چرخش فرهنگی در اندیشه اجتماعی معاصر**، در **مطالعات فرهنگی**، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، به اهتمام عباس کاظمی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، **ارزیابی تأثیرات اجتماعی**، تهران: جامعه شناسان با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- کلهر، سینا (۱۳۸۹)، گزارش چارچوب تهیه پیوست فرهنگی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، تهران: مجلس شورای اسلامی.

- گروه توسعه بانک جهانی (۱۳۸۹)، راهنمای تحلیل اجتماعی: گنجاندن ابعاد اجتماعی در پروژه‌های تحت حمایت بانک جهانی. ترجمه اردشیر گراوند و رحیم سرور، تهران: پرهام نقش.

- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۸)، لایحه برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹-۱۳۹۳)، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.

- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۴)، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- آیت‌ا... خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۶/۲/۲۵).

- آیت‌ا... خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶/۹/۱۷)، تارنمای بیت رهبری.

- Becker, H. A., & Vanclay, F. (2006). *The international handbook of social impact assessment: Conceptual and methodological advances*, Cheltenham: Edward Elgar.

- Sagnia, K. Burama (2004), *Framework for Cultural Impact assessment*, International Network for Cultural Diversity (INCD).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی